

عقل در علوم الهی و علوم بشری (بررسی نظریه میرزا مهدی اصفهانی درباره عقل انسانی)

محمداسحاق عارفی^۱، سیدعلی دلبری^۲، محمد مهدی کمالی^۳

چکیده

عقل و تعقل از نگاه آیات و روایات اهمیت بسیاری دارد و بدون تردید در کنار منابع نقلی، نقش بی‌بدیلی در کشف حقایق و معارف دینی ایفا می‌کند. لیکن در اینکه حقیقت عقل چیست و سلوک عقلی در کشف معارف دینی چگونه است، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. بر اساس نظریه میرزا مهدی اصفهانی، عقل مورد اهتمام آیات و روایات، با عقل مورد استفاده در علوم بشری و فلسفی متفاوت است و آنچه در تحصیل معارف الهی راهگشاست، عقل الهی است. اما عقل بشری که از قوای نفس انسانی به‌شمار می‌آید و محصول آن علوم حصولی است، جز اینکه سبب حجاب و حرمان از معارف دینی شود، اثر دیگری ندارد. مقصود از عقل الهی در این نظریه، نوری است که خارج از حقیقت انسان است و از خصوصیاتش این است که ظاهر بالذات بوده، با نفس که ظاهر بالذات نیست، متحد نیست.

در این نوشتار نخست به تبیین و تحلیل نظریه فوق پرداخته‌ایم و سپس با ارزیابی ادله و اصل این دیدگاه نشان داده‌ایم ادله یادشده مثبت مدعا نبوده، اصل دیدگاه با اشکال‌های عدیده و غیرقابل دفاع روبه‌روست.

واژگان کلیدی: عقل انسانی، عقل الهی، عقل بشری، ظاهر بالذات، میرزا مهدی اصفهانی.

arefi@gmail.com

saddelbari@gmail.com

m.mkamali@yahoo.com

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفیٰ العالمیه

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

^۳ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه علوم اسلامی رضوی

بررسی منظر نوروفلسفه نسبت به مسأله آگاهی

سیامک عبدالهی^۱، منصور نصیری^۲، محمد لگنهاوسن^۳

چکیده

امروزه در ادبیات فلسفی، از ماتریالیسم با عنوان فیزیکیالیسم یاد می‌کنند که به دو دسته حذف‌انگار و غیرحذف‌انگار تقسیم می‌شود. حذف‌انگاران درباره مسئله آگاهی معتقدند اگر به اکمال به فیزیکیالیسم پایبند باشیم، آگاهی به مسئله‌ای لاینحل تبدیل نخواهد شد و مسئله خواندن آگاهی، به دلیل عبور از مبانی فیزیکیالیستی است. نوروفلسفه از جمله نظریاتی است که تقریری حداکثری از فیزیکیالیسم دارد و از آنجاکه این مقاله درصدد بررسی دیدگاه این شاخه نوین فلسفی درباره مسئله آگاهی است، ابتدا رویکرد این نظریه را درباره آگاهی تبیین و سپس نقدهای وارد به آن را مطرح می‌کنیم. به نظر می‌رسد با در نظر داشتن انتقادهای مهمی چون درونی بودن، مسئله سخت‌آگاهی، ابهام و تحقق چندگانه که بر دیدگاه معتقدان به تبیین مبتنی بر نور و فلسفه وارد می‌شود، نوروفلسفه نمی‌تواند آگاهی را به درستی تبیین کند.

واژگان کلیدی: نوروفلسفه، حذف‌انگاری، آگاهی، پاتریشیا چرچلند، درونی بودن، مسئله سخت‌آگاهی.

siaamak.abdollaahi@gmail.com

nasirimansour@ut.ac.ir

legenhausen@gmail.com

۱. دکترای فلسفه دین دانشگاه تهران

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، پردیس فارابی

۳. استاد و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1

تبیین فلسفی علیت و تعامل آن با معارف شریعت

■ غلامعلی مقدم

چکیده

تعامل معارف عقلی با دین، مسئله‌ای مهم و چالش‌برانگیز است و از ادعای اتحاد تا تباین تام را دربرمی‌گیرد. مدعیان تباین، روح شریعت را امری قدسی و از آمیختگی با معارف انسانی و بشری منزّه می‌دانند و طرفداران اتحاد معتقدند آن که از معارف حکمت بهره نبرده باشد، از درک عمیق و دقیق محتوای شریعت بی‌بهره خواهد بود. در نگاه اعتدالی تأثیر بعد عقلانی دین بر دیگر ابعاد انکارشدنی نیست. در این مقاله با روشی تطبیقی - تحلیلی به تعامل علیت و توابع آن با معارف شریعت پرداخته، ضمن بحثی مصداقی نشان داده‌ایم این سنت عقلی در محورهایی مانند مقابله با هجمه‌های بیرونی، مبارزه با انحراف درونی، تبیین معارف معقول به‌عنوان رکن ذاتی دین، ممانعت از سوءبرداشت‌ها، تذکر به عواقب بعیده و پاسخ به اشکالات با معارف شریعت تعامل داشته، در برخی موارد بر مواجهه ظاهری و مشهور برتری دارد. سنت فلسفی اسلام با تعمیق معارف عقلی دین و ایجاد بینش و نگرش قوی، می‌تواند در ابعاد سه‌گانه شریعت (عقاید، احکام و اخلاق) و از آن رهگذر در نظر و عمل فرد و جامعه اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: علیت، شریعت، اخلاق، فلسفه، نسبت فلسفه و اخلاق

چالش حکمت متعالیه در تبیین فلسفی رجعت

معصومه سادات سالک

چکیده

از نظر ملاصدرا، تناسخ به معنای بازگشت نفوس به دیگر بدن‌ها بوده، محال است؛ حال آنکه این تعریف ظاهراً بر رجعت به عنوان یکی از اعتقادات شیعه تطبیق می‌کند. ملاصدرا تعلق نفس را به بدن خاص منوط به داشتن مخصص می‌داند؛ درحالی که طبق مبانی وی، اجزای باقی مانده بدن، خالی از مخصص است. از این رو، این پرسش مطرح است که: وقتی در جریان رجعت، نفس جدا شده از بدن مادی و مسافر عوالم برزخ، آهنگ رجوع به بدن مادی دنیوی خود می‌کند، آیا ملاصدرا مخصصی برای بدن دنیوی یا اجزای باقی مانده او در نظر دارد تا تعلق نفس به بدن، از ترجیح بلا مرجح بودن خارج شود، پیش از اینکه به اشکال تناسخ برسد؛ حال آنکه اشکال تناسخ نیز در بحث رجعت جدی است؟ تحقیق حاضر می‌کوشد با توجه به عبارات و موضع‌گیری‌های ملاصدرا در بحث‌ها و موضوعات مشابه به این پرسش‌ها پاسخ دهد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد با فرض تعلق دوباره نفس به بدن مادی، ناگزیر از پذیرش تناسخ یا حفظ نوعی علاقه نفس و بدن برای حل هم‌زمان معضل مخصص و تناسخ هستیم؛ چیزی که حکمت صدرایی آن را بر نمی‌تابد، مگر اینکه با قرائت خاصی از تمثیل در رجعت، پای تأویل را به ماجرای رجعت باز کنیم.

واژگان کلیدی: رجعت، ملاصدرا، تناسخ، احیاء موتی، تمثیل.

رجعت در اهل تسنن (چالش‌ها و عوامل انکار)

خداامراد سلیمیان^۱

چکیده

برخی از باورهای شیعه، با مخالفت‌های جدی اهل تسنن مواجه شده است. یکی از آنها اعتقاد به رجعت در آخرالزمان و عصر ظهور مهدی موعود 7 است. اگرچه بسیاری از دانشمندان و مفسران اهل تسنن زنده‌شدن مردگان را در امت‌های گذشته به‌عنوان امری ناگزیر پذیرفته‌اند، اتفاق آن را در آخرالزمان بر پایه باورهای شیعه هرگز برننافته‌اند و در ابراز مخالفت با آن بسیاری از چارچوب اخلاق و ادب خارج شده، به توهین و توبیخ دست زده‌اند؛ به‌گونه‌ای که گاه در کتاب‌های لغت که در آن هرگز جهت‌گیری نمی‌شود، به رد دیدگاه رجعت پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد این مخالفت و انکار، معلول عواملی است که مهم‌ترین آنها فهم نادرست از این باور شیعی است که گاهی نیز با جهت‌گیری‌های غیرعالمانه و متعصبانه در سخنان و نوشته‌های آنها بازتایافته است.

در این باره که پیش‌تر کسی بدان نپرداخته، نگارنده در پی تحلیل برخی عوامل در زمینه مخالفت با باور رجعت است که می‌تواند در کنار تبیین هرچه بیشتر نگاه شیعه به رجعت، به روشنگری درباره فهم نادرست مخالفان این باور کمک شایانی کند.

واژگان کلیدی: رجعت، اهل تسنن، رجعت‌کنندگان، انکار رجعت.

تحلیلی از رؤیة الله تعالی در آیه سؤال موسی 7

عبدالمجید زهادت

چکیده

مسئله رؤیت حسی خداوند تعالی از دیرباز مورد بحث و نزاع میان مسلمانان بوده است. یکی از مستندات طرفین نزاع، آیه سؤال موسی 7 (اعراف(۷)، ۱۴۳) است. در این نوشتار پس از ارائه گزارشی از پیشینه بحث رؤیت و بیانی مختصر از منابع کلامی و تفسیری فریقین در موضوع رؤیةالباری تعالی، ادله طرفین را در استناد به آیه سؤال موسی 7 بررسی کرده‌ایم و ثابت نموده‌ایم که آیه نه تنها دلیل بر مدعای مثبتان رؤیت نیست، بلکه بر امتناع رؤیت حسی دلالت دارد.

واژگان کلیدی: رؤیةالله، رؤیت حسی، آیه سؤال موسی 7، امکان رؤیت، امتناع رؤیت، رؤیت قلبی، لقاءالله، کشف تام.

بررسی روایت «حبّ علی بن ابی طالب حسنه لا تضر معها سیئه» و دیدگاه‌های مطرح شده درباره آن

سید محمدعلی میرصانعی^۱، حمید کریمی^۲

چکیده

در روایات بسیاری بر محبت اهل بیت : تأکید شده است. در این میان، روایاتی که بر محبت علی ۷ ترغیب می‌کند و آن را مایه رستگاری انسان می‌داند، بیش از همه است. یکی از این روایات، حدیث «حبّ علی بن ابی طالب حسنه لا تضرّ معها سیئه...» است. مضمون عجیب این حدیث موجب شده دانشمندان در این موضوع دیدگاه‌های گوناگونی برگزینند. در این مقاله با روش نقلی و تحلیل عقلی به بررسی و نقد سه دیدگاه اصلی (۱) رد حدیث و تأثیر محبت به علی ۷ در رستگاری انسان؛ (۲) محبت به علی ۷ سبب آمرزش گناهان صغیره؛ (۳) محبت به علی ۷ سبب اجتناب از همه گناهان، پرداخته‌ایم و سپس نظریه مختار را تبیین کرده‌ایم که محبت علی، اساس دین و معیار ایمان است و دوستدار ایشان که قهراً مسلمان است، دچار ضرر اصلی که عذاب اخروی یا خلود در آن است، نمی‌شود؛ اگرچه در دنیا و برزخ کیف‌هایی می‌بیند.

واژگان کلیدی: حبّ علی بن ابی طالب ۷، ایمان، سیئه، رستگاری.

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم. smam1362@yahoo.com

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران h_karymi@yahoo.com